



(عشق‌بازی، اثر خوان میرو؛ عکس از مزده حمزه تبریزی؛ موزه خوان میرو، بارسلون)

انقلاب ویدئوی منتسب به مدیر کل استان گیلان، انقلابی علیه توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی

نوشته علیرضا محمدی‌فر

وبگاه ریزپردازنده (rizpardazandeh.com)



▪ پی‌دی‌اف این مقالات رایگان است.
▪ استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع آزاد است.

▪ نشانی وب:

<http://www.rizpardazandeh.com>

▪ ایمیل: rizpardazandeh@gmail.com

▪ کانال تلگرام: @rizpardazandeh

فهرست

- اینترنت آدم‌ها (۶۶): انقلاب ویدئوی منتسب به مدیرکل استان گیلان، انقلابی علیه توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی / ۳
- نخستین پاتک جدی از سوی جامعه پست‌مدرنیست‌های ایران علیه توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی در جهان / ۴
- جنگ پیش‌بینی‌ناپذیر بین انسان و توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی / ۴
- طبیعت‌پایش‌گریزی انسان و حیوان / ۵

انسان در عصر سنگ در غارها زندگی می‌کرد و نگران حریم خصوصی خود نبود. امروز اما هوش مصنوعی با نرم‌افزارهای بازشناسی چهره می‌تواند به حریم خصوصی تجاوز کند. گفته می‌شود که مجلس در پی برپایی «سامانه رصد و سنجش مستمر سبک زندگی مردم» است. خطری که از ۳۰ سال پیش بارها در ماهنامه ریزپردازنده به آن اشاره شد. استنلی کوبریک در فیلم سینمایی «اودیسه فضایی ۲۰۰۱» بر این نظر بود که هوش مصنوعی نخواهد توانست که بر انسان حاکمیت پیدا کند.
(عکس از مزده حمزه تبریزی؛ اسپانیا، فیگاروس؛ موزه سالوادور دالی)

انقلاب ویدئوی منتسب به مدیر کل استان گیلان،

انقلابی علیه توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی

به کمک هوش مصنوعی داشته باشد. در شماره ۲۷۰ (آبان ۹۸) ماهنامه ریزپاردازنده در زمانی که چند ماهی از استفاده از دوربین‌های ترافیک برای پایش حجاب بانوان نگذشته بود نوشتیم که پایش حجاب از طریق دوربین‌های ترافیک پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری دارد و می‌تواند به یک انقلاب بینجامد. در آن شماره تأکید کردیم که طبیعت انسان با پایش سازگار نیست، نتیجه افزایش خشم و انقلاب خواهد بود.

سه سال بعد پیش‌بینی آن مقاله به وقوع پیوست و انقلاب مهسا آغاز شد و در نهایت با پیروزی این انقلاب و قدم‌زدن پیروزمندانه بانوان بی‌حجاب در شهرها به پایان رسید. اما ضدانقلاب عملیات خود را ادامه داد. یکی از اقدامات ضدانقلاب حجاب اختیاری – که به تجربه شکست‌خورده خود در استفاده از دوربین‌های ترافیک بی‌توجه بوده است – اقدامی تهاجمی‌تر بود: سوءاستفاده از یک فناوری هوش مصنوعی مشهور به فناوری بازشناسی چهره (face recognition).

همچنان که در شماره ۲۷۰ نوشتیم، پایش‌گریزی طبیعت انسان و حیوانات است^۱ و بی‌گمان پیامد استفاده سوء از فناوری بالقوه خطرناک بازشناسی چهره به منظور پایش سبک زندگی مردم نیز یک واکنش ناخودآگاه انقلابی دیگر می‌تواند در پی داشته باشد، که داشت: انتشار گسترده ویدئوی منتسب به مدیرکل ارشاد گیلان – که انقلابی جدید برپا کرد و نظم قدیم را که تماشای ویدئوی خصوصی از حریم خصوصی مردم را وجداناً گناه و کاملاً غیراخلاقی می‌دانست برهم زد و یک استثنا بر آن را مشروع و معروف قلمداد کرد.

یادآوری: آمار دقیقی از تعداد کسانی که این ویدئو را تماشا کرده‌اند وجود ندارد، اما بررسی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نشان‌دهنده آمار غیرطبیعی و فراوان تعداد بازدیدکنندگان است.

دو نفر در یک روز تابستانی در اتاق یک خانه بی‌آن که به کسی زیان برسانند یا به کسی آسیب بزنند عملی را مرتکب می‌شوند که یک دوربین مخفی از آن فیلم‌برداری می‌کند. این فیلم در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود و بسیاری از مردم، از تحصیل کرده و مذهبی گرفته تا غیرمذهبی و یا حتی دانش‌آموز آن فیلم را تماشا می‌کنند، و نه تنها از تماشای آن فیلم دچار عذاب وجدان نمی‌شوند، از آشکارشدن گسترده چنین فیلمی شادمان می‌شوند، چرا؟ مگر نمی‌دانیم که شرعاً و عرفاً و اخلاقاً گناه دارد؟ مگر شبیه به این نیست که دزدانه وارد خانه کسی بشویم که اجازه ورود به آن را صاحب‌خانه در اختیارمان قرار نداده است؟ می‌دانیم که چنین عملی از عمل دزدی بسیار بدتر و قبیح‌تر است، چون خسارتی که به صاحب‌خانه وارد می‌شود بسیار بسیار بیشتر از خسارت دزدی اموال است. اگر این ویدئو به یک صاحب‌منصب جمهوری اسلامی منتسب نشده بود به دلایل کاملاً اخلاقی تقریباً کسی به آن توجه نمی‌کرد و انتشار آن را گناهی بزرگ و کاملاً غیراخلاقی می‌دانست.

اگر واژه انقلاب را دگرگونی در وضع موجود تعریف کنیم که تعریف نادرستی نمی‌تواند باشد، ویدئوی منتسب‌شده به مدیر کل ارشاد گیلان یک انقلاب در اخلاقیات در کشورمان پدید آورده است و نگاه کردن به ویدئوی حریم خصوصی را که پیشتر شرعاً و عرفاً نامشروع و نامعروف و استثنایپذیر تلقی می‌کرده است، اگر مربوط و منتسب به یک صاحب‌منصب جمهوری اسلامی باشد مشروع و معروف کرده است.

موشک جواب موشک

آنچه رخ داده است یک واکنش ناخودآگاه قدرتمند به سوءاستفاده از فناوری بازشناسی چهره، از دستاوردهای هوش مصنوعی است که می‌تواند کاربردهای فوق‌العاده خطرناک در جهت برپایی توتالیتاریسم

^۱ برای اطلاعات بیشتر مقاله بعدی در این جزوه با عنوان «طبیعت پایش‌گریزی انسان و حیوان» را بخوانید.



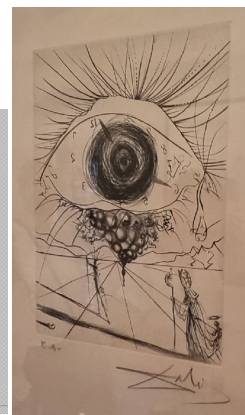
نخستین پاتک جدی از سوی جامعه پُست مدرنیست‌های ایران علیه توتالیتاریسم به کمک هوش مصنوعی در جهان

در واقع، مدیر کل ارشاد گیلان – چه انتساب ویدئو به او درست باشد چه نادرست – قربانی سیاست‌های نادرست مسئولان ارشد در سوءاستفاده از هوش مصنوعی شده است. زمانی که مردم ایران خود را در برابر موشک‌های صدام بی‌دفاع یافتند شعار موشک جواب موشک را سر دادند. بی‌گمان، خبر استفاده از هوش مصنوعی برای پایش حجاب، وحشت به اسارت هوش مصنوعی در آمدن جامعه را برای نخستین بار در ایران پدیدار کرد و شعار موشک جواب موشک را دوباره به یاد آنان آورد. انتشار گسترده یک ویدئوی غیراخلاقی منتسب به یک صاحب‌منصب جمهوری اسلامی، نخستین پاتک گسترده از سوی مخالفان فرقه ولایت فقیه علیه استفاده سوء از هوش مصنوعی در جهان بود، و نشان داد که این گروه از مردم با چنگ و دندان در برابر هوش مصنوعی توتالیتاریستی خواهند ایستاد.

شگفت آن که این پاتک یک پرسش بزرگ فلسفی را نیز با خود مطرح کرده است: آیا می‌توان در برابر استفاده سوء از هوش مصنوعی از ابزارهای غیراخلاقی بهره گرفت؟

دوربین‌های متصل به نرم‌افزار
بازشناسی چهره، چشم‌هایی هوشمند
هستند که هر مکانی را می‌توانند تحت
نظر بگیرند.

شرح عکس: اثری از سالوادور
دالی (عکس از مژه حمزه تبریزی؛ اسپانیا،
فیگاروس؛ موزه سالوادور دالی)



جنگ پیش‌بینی‌ناپذیر بین انسان و توتالیتاریسم به کمک

هوش مصنوعی

نه تنها ماهنامه ریزپردازنده که از حدود سی سال پیش خطرات و مسائل هوش مصنوعی را مورد بررسی قرار داده است، بلکه بسیاری از نشریات علمی جهان چنین رویدادی – استفاده از ابزارهای غیراخلاقی برای مقابله با استفاده سوء از هوش مصنوعی – را مورد توجه قرار نداده بوده‌اند. این رویداد نشان داد که جنگ بین انسان و هوش مصنوعی پیش‌بینی‌ناپذیر است. □

دوربین ترافیک در شهر هوشمند بارسلون. بی‌حجابان بی‌هیچ دغدغه‌ای در شهر پرسه می‌زنند. استفاده از دوربین ترافیک برای پایش حجاب یا برپایی «سامانه رصد و سنجش مستمر سبک زندگی مردم» سوءاستفاده از ابزارهای شهر هوشمند است.

شرح عکس: چهارراهی در مقابل کاذا باتیو (Casa Batlló) یکی از شاهکارهای آنتونی گائودی، معمار بزرگ اسپانیایی. (عکس از مژه حمزه تبریزی؛ بارسلون)

طبیعت پایش گریزی انسان و حیوان

انقلاب فاجعه‌بار ۱۳۵۷ پیامد ایجاد حس پایش مستمر مردم بود

بیماری‌های قلبی، بیماری‌های تنفسی مزمن، و سوء هاضمه می‌تواند منجر شود.^۱ گمان‌ها بر این است که یک عامل بیماری سرطان نیز می‌تواند انباشت استرس و اضطراب باشد.^۲ بسیاری از دولت‌ها در قوانینی که از امکانات نظارت همگانی از طریق دوربین بهره می‌گیرند نصب **تابلوی آگهی وجود دوربین نظارتی** پیش از حوزه دید دوربین را الزامی می‌کنند. یکی از دلایل مهم برای نصب این تابلوها کاستن از میزان اضطراب شهروندان است.

اساساً، در بسیاری از شهرهای هوشمندی _ که **امنیت روانی** شهروندان در آنها اهمیت دارد _ استفاده از دوربین برای نظارت همگانی (شهروندان) صرفاً برای هدف تأمین امنیت عمومی (جانی و مالی و ناموسی) شهروندان است و از دوربین‌های ترافیک نیز برای کاستن از ترافیک شهری یا تأمین امنیت عمومی و یا امور پژوهشی غیراضطراب‌زا بهره گرفته می‌شود. با آن که استفاده از دوربین‌های نظارتی همگانی برای این موارد بازهم اضطراب‌آورند اما چون همسو با روح و روان انسان طالب امنیت هستند مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرند. استفاده از آنها برای موارد دیگر _ که به تهدیدهای جانی، مالی، یا ناموسی مربوط نمی‌شوند _ به احتمال زیاد سبب انباشت اضطراب و عوارض و بیماری‌های روحی بلندمدت خواهد گردید.

پژوهش‌ها در باره **روان‌شناسی نظارت همگانی**^۳ هنوز بسیار اندک است و گذشت چند نسل می‌تواند نتایج قطعی بدهد. از همین روی، در استفاده از دوربین‌های نظارت همگانی برای موارد ناهمسو با **امنیت عمومی** ضروری است که ابتدا سال‌ها پژوهش‌های آکادمیک انجام بگیرد و اگر اثرات جانبی قابل توجهی مشاهده نشود به کار گرفته شود. ضمناً فراموش نکنیم که برای قوانینی که با نظارت همگانی از طریق دوربین به اجرا در می‌آیند، حس پایش‌گریزی ذاتی انسان سبب می‌گردد که دوربین‌ها برای کسانی هم که قانون را رعایت می‌کنند اضطراب‌آفرینی کنند. پایش حجاب از طریق دوربین که ممکن است در همه گروه‌های باحجاب، کم‌حجاب، و بی‌حجاب اضطراب‌آفرینی کند یکی از این موارد است. اثرات **انباشت اضطراب** در چنین پایش‌های مطالعه‌نشده‌ای شاید ۲۰ سال بعد معلوم شود. □

بسیاری از جوانان امروزی همواره با شگفتی فراوان می‌پرسند با وجود آزادی‌های اجتماعی در پیش از انقلاب و اقتصاد نسبتاً قابل قبول چرا انقلاب فاجعه‌بار ۱۳۵۷ رخ داد. درست است، واقعیتی بود: آن هنگام انواع سرگرمی‌ها برای جوانان فراهم بود، باحجاب و بی‌حجاب دست در دست هم زندگی می‌کردند، انواع صفحه‌گرامافون، نوار و کاست موسیقی ایرانی و خارجی را بدون ممنوعیت تهیه می‌کردند و گوش می‌دادند، انواع فیلم‌های ایرانی و خارجی در سینماها برای انواع سلیقه‌ها اکران می‌شد، در روزهای مذهبی مانند تولد امام زمان فعالانه مشارکت می‌کردند و جشن‌های مفصلی با شادمانی‌های غیرقابل وصف به راه می‌انداختند، اقتصاد کشور هم رو به رونق و قابل قبول بود، چرا مردم به انقلابی پیوستند که از پیامدهای آن بی‌خبر بودند، و کشوری را که شادی در کوی و برزن آن موج می‌زد به یک کشور غمگین و افسرده تبدیل کردند؟

در شماره ۲۷۰ ماهنامه ریزپردازنده که در آبان ۱۳۹۸ منتشر شد به این پرسش پاسخ دادیم. ساواک توانسته بود با پروپاگاندا این حس کاذب را در مردم ایجاد کند که به شدت **پایش** می‌شوند (کسانی که در آن دوران زندگی کرده‌اند به خوبی با ضرب‌المثل «دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد» آشنا هستند). انقلاب پیامد **طبیعی** شکستن چنین پایشی بود. در آن شماره بر بنیاد این تحلیل هشدار دادیم که پایش حجاب از طریق دوربین‌های ترافیک پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری دارد. به بیان دیگر، پیش‌بینی کردیم که ادامه استفاده از دوربین‌های ترافیک برای پایش حجاب به یک **انقلاب منجر خواهد شد**، و چنین هم شد: سال ۱۴۰۱ **انقلاب مهسا** نظم قدیم حجاب را دگرگون کرد و ضدانقلاب حجاب اختیاری با سنگین کردن مجازات‌ها و بهره‌گیری از نرم‌افزار **بازشناسی چهره** که از دستاوردهای **هوش مصنوعی** است خواست علیه نظم جدید بشورد، که بازهم با یک انقلاب جدید مواجه شد. این مقاله بخشی کوچک از مقاله‌ای است که در شماره ۲۷۰ مجله ریزپردازنده منتشر کردیم.

در کوهستان، در بیابان، یا در جنگل تقریباً همگی دیده‌ایم که حیوانات در برابر پایش بسیار حساس هستند و دچار اضطراب و ترس می‌شوند و معمولاً فرار می‌کنند. طبیعت انسان نیز همین‌گونه است. در برابر پایش دچار اضطراب می‌شود. **میلیون‌ها سال فرایند تکامل این حس را برای حیوانات و انسان‌ها ایجاد کرده است**. چنین اضطراب و ترسی بد نیست، چون به شما کمک می‌کند از شرایط خطرناک خارج شوید؛ حتی می‌توان گفت که یکی از عوامل بقای بسیاری از موجودات زنده **پایش‌گریزی** آنها بوده است. یک علت مهم وقوع «انقلاب» در کشور عزیزمان در سال ۱۳۵۷ این بود که حکومت گذشته سال‌های طولانی این حس کاذب را در مردم ایجاد کرده بود که با خبرچین‌ها و پیاها و میکروفون‌ها به شدت **پایش** می‌شوند.

پژوهش‌گران به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه پایش بیشتر باشد اضطراب بیشتر می‌شود. اضطراب به بیماری‌هایی مانند فشار خون،

^۱ https://www.health.harvard.edu/staying-healthy/anxiety_and_physical_illness

^۲ <https://www.healthline.com/health/can-stress-cause-cancer>

^۳ mass surveillance psychology



«خانه» حریم خصوصی است. کسی بی اجازه صاحب خانه شرعاً و عرفاً نباید وارد خانه شود. فیلم برداری مخفیانه یک شر بزرگ است. انتشار بی اجازه فیلم های حریم خصوصی نیز یک شر بزرگ است. آیا برای مقابله با هوش مصنوعی خطر آفرین می توان استثنائاً فیلم حریم خصوصی را منتشر کرد؟ این یک پرسش مهم فلسفی زمان ماست.

شرح تصویر: یک نقاشی از معماری در سبک فراواقع نمایی، اثر جورجو د کرکو (Giorgio de Chirico).

(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ ایتالیا، رم؛ گالری ملی هنرهای مدرن)